



جمعه 3 اسفند 1397-17 حمادی، الثاني، 1440-22 فوریه 2019

آغاز عملیات بزرگ خیر در منطقه هورالهویزه و شمال، بصره (1362 ش)

آغاز عملیات بزرگ خیبر در منطقه هورالوهیزه و شمال بصره (1362 ش)

عملیات بزرگ خیبر با رمز یا رسولﷺ در جبهه جنوب، هورالهوریزه و شمال بصره در وسعت تقریبی 200 کیلومتر مربع با هدف تصرف و تأمین جزایر مجنون و بخشی از هورالهوریزه از سوم اسفند 62 آغاز شد و تا بیست و دوم اسفند به طول انجامید. در این عملیات، رزمندگان اسلام در ابتدا با ورود به جزایر مجنون، از اصل غافل و گریزی و سرعت بهره گرفته و تعدادی از یگانهای مستقر در جزیره را به هلاکت رساندند. در ادامه با فشار بی و امان سپاه توحید، دشمن بعثی کیلومترها به عقب رانده شد و نیروهای اسلام با یک حرکت حماسی و باور نکردنی برای دشمن، رودخانه دجله را پشت سر گذاشتند. در روزهای بعد، رزمندگان اسلام در حالی که دشمن به شدت از گلوله شیمیایی استفاده می کرد، با وارد ساختن ضربات سنگین، موفق به پیشروی شده و بعثیان را به عقب راندند. با گذشت دو هفته از شروع عملیات، رزمندگان اسلام موفق شدند تا موقعیت مناطق آزاد شده، از جمله جزایر مجنون را تثبیت کنند و ابتکار عمل را به دست گیرند. این عملیات سرانجام پس از 19 روز نبرد سنگین با نتایج زیر پایان یافت: تلفات نیروی انسانی دشمن: 1140 نفر اسیر و 15000 نفر کشته و زخمی؛ سایر نتایج: به تصرف درآمدن منطقه و ای به وسعت بیش از 1180 کیلومتر مربع، از جمله جزایر مجنون؛ تجهیزات و امکانات: تانک و نفربر: 330 دستگاه انهدامی، 42 دستگاه اغتنامی، هواپیما: 6 فروند انهدامی، دستگاه مهندسی: 60 دستگاه اغتنامی، خودرو: 200 دستگاه انهدامی. عملیات بزرگ خیبر با دستاوردهای ارزشمند، از جمله عملیات و های موفق رزمندگان اسلام محسوب می شود، به نحوی که عراق را مجبور به استفاده گسترده از سلاح و های ممنوعه شیمیایی کرد. با تصرف جزیره مجنون، یکی از حوزه و های مهم نفتی در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت و دشمن را در باز پس و گیری آن ناکام گذاشت.

پایداری و بردباری، دو ویژگی مهم ایثارگران و به ویژه آزادگان بود. یکی از آزادگان سرافراز در این زمینه می گوید: <در یکی از شب ها که مشغول نوشتن حدیثی از پیامبر اکرم(ص) بودم، ناگهان نگرهبانی عراقی به آسایشگاه ما آمد. با دیدن من کنجکاو شد و به سویم آمد و پرسید چه می نویسی؟ جواب ندادم. خودش کاغذ را گرفت. نوشته شده بود پیامبر خدا (ص) فرمود: <بدترین مردم کسی است که مردم از ترس او را احترام کنند. با حالت غضبناک مرا نگاه کرد و بعد سیلی محکمی به صورتم نواخت و سوزنی را در زبانش فرو کرد. در حالی که از شدت درد به خود می پیچیدم، در این فکر بودم که این جنایتکاران می توانند شقاوت و بی رحمی را تا حد ممکن برسانند، ولی آن ها نمی دانستند که ما زمزمه با دوست بودن را از خود جدا نمی کنیم و صبر و پایداری را پیشه خود قرار می دهیم تا پیروز و سربلند از این آزمایش بیرون باییم.>

وفات محدث ایرانی تبار "ابن‌rilm&؛ هُمَام اسکا‌فی" در بغداد(336 ق)

این همام در سال 258 قمری دیده به جهان گشود و در دوران تحصیل از محضر اساتیدی همچون احمد بن ادریس قمی، عبداللّه بن جعفر حمیدی و پدرش بهره برد. وی در عصر خود از بزرگ‌ترین مورخان شهر بغداد به شمار می‌رفت. از آثار وی می‌توان به "الانوار فی التاریخ الائمة (ع)" اشاره کرد. این عالم بزرگ در بغداد وفات یافت و در مقابر قریش به خاک سپرده شد.

تولد "جورج واشینگتن" اولین رئیس rlm&جمهور و بانی استقلال امریکا (1732م) (ک: 14 دسامبر)

جورج واشینگتن (به انگلیسی: ۱۷۳۲-۱۷۹۹) (George Washington) از رهبران انقلاب آمریکا و نخستین رئیس جمهور آمریکا بود که این سمت را از سال ۱۷۸۹ تا سال ۱۷۹۷ در دست داشت. او از مهم ترین چهره های تاریخ ایالات متحده است. نقش او به خصوص در کسب استقلال برای مستعمرات آمریکایی و سپس متحد کردن آن ها زیر پرچم حکومت فدرال ایالات متحده قابل توجه است. او از گروهی از مردم مسلح به کمک دولت های فرانسه و اسپانیا ارتش بزرگی ساخت که نهایتاً موفق به شکست نهادهای پرتغالی و بریتانیایی در جنگ انقلاب آمریکا (۱۷۸۳-۱۷۷۵) شدند.

آرتور شوپنهاور فیلسوف معروف آلمانی در 22 فوریه 1788م در دانتزیک آلمان به دنیا آمد. او به خاطر مرگ زودهنگام پدر و بی‌توجهی مادر، دارای طبیعتی ناآرام، متزلزل و پر از سوءظن و عصبانی بود. شوپنهاور در جوانی با عقاید بودا آشنایی یافت و پس از تحقیق و تفکر زیاد، به آیین بودایی اعتقاد کامل پیدا کرد. وی از آن پس مدتی به تدریس روی آورد اما چون کارش نگرفت آن را رها کرد و در سال 1819م کتاب معروف خود به نام جهان به صورت اراده و اندیشه را، منتشر نمود. چون کتابش نیز مورد توجه مردم واقع نشد به سختی از مردم رنجیده خاطر شد و نسبت به اجتماع، بدبین گشت.

از این رو، سی سال آخر عمر را به تنهایی در گوشه‌rlm؛ ای به سر برد و به تفکر پرداخت. شوپنهاور از گوشه انزوای خود، جهان را نظاره می‌rlm؛ کرد و نژاد بشر را توده‌rlm؛ ای از حیوانات نامطلوب می‌rlm؛ دید که محکوم به زندگی پُرسستیز و پررنج و بی‌rlm؛ امید هستند. او معتقد بود که حقیقت جهان، خواست و اراده است و شخص، آن گاه به وجود خود پی می‌rlm؛ برد که اراده بر انجام کاری کند. اصل در انسان اراده است و همه نیروها، انواعی از اراده هستند. او می‌rlm؛ گفت: بیایید در این باب نیندیشیم که چه داریم، بلکه بدان بیندیشیم که چه هستیم. بیایید به جای آنکه صندوق‌rlm؛ های خود را پر کنیم، فکر خویش را پرورش دهیم. از این بالاتر، بیایید اراده خود را برای غلبه و پیروزی بر دیگران فرو گذاریم. پیروزی را در درون خود بجوییم. چنین اراده‌rlm؛ ای به ما آرامشی می‌rlm؛ دهد که بالاتر از حد تصور است. آرامش کامل روح است. آن‌rlm؛ گاه فقط دانش و معرفت برای ما باقی می‌rlm؛ ماند و اراده زایل می‌rlm؛ شود. از سویی دیگر به عقیده شوپنهاور، اصل در زندگانی، رنج و گزند است و لذت و خوشی، همانا دفع آلم است. هر چه موجود جاندار در مرتبه حیات برتر باشد رنجش بیشتر می‌rlm؛ باشد، چون بیشتر حس می‌rlm؛ کند و آزار گذشته را بیشتر به یاد می‌rlm؛ آورد و رنج آینده را بهتر پیش‌rlm؛ بینی می‌rlm؛ کند. شوپنهاور اعلام می‌rlm؛ دارد که جنگ، اصل همه شرها در زندگی دردآلود ماست و در دنیای دیگر، درد و رنجی بزرگ‌rlm؛ تر از آن چه در این دنیا هست وجود ندارد. پس چاره نجات از این دوزخ جهانی این است که از جنگ و جدال باز ایستیم و زندگی خود را با اندیشه‌rlm؛ های فلسفی مورد تأمل قرار دهیم، چرا که چاره ما در ثروت نیست بلکه در حکمت است. شوپنهاور به عنوان فیلسوفی بدبین، زندگی را سراسر رنج و عذاب می‌rlm؛ داند و آن را به مرگی تشبیه می‌rlm؛ کند که دم‌rlm؛ به‌rlm؛ دم به تأخیر می‌rlm؛ افتد، سرانجام در حالی اجل می‌rlm؛ رسد که آدمی سودی از حیات خویش نبرده است. مذهب شوپنهاور، اصالت تصور و وحدت وجود بود و عقیده داشت که جهان و هرچه در او هست، عوارض و حوادث و نمایش است و آن چه ما درک می‌rlm؛ کنیم، مصنوع ذهن خودمان است. شوپنهاور نه به روح معتقد است نه به ماده، بلکه به جهان موجود علاقه دارد. وی علاوه بر آن که، فلسفه را امری ضروری می‌rlm؛ دانست، عقیده داشت که فلسفه نباید با جملات پیچیده آمیخته گردد. اندیشه‌rlm؛ ها و آثار شوپنهاور تا سال‌rlm؛ های متعدد، خواننده‌rlm؛ ای نداشت تا این‌rlm؛ که در اواخر عمر، اقبال مردم به وی افزایش یافت. آرتور شوپنهاور در تمام عمر، تنها زیست و در خانه‌rlm؛ اش را به روی همه بست. حوصله تحمل سروصدا را نداشت و بیشتر عمرش را در سکوت اندیشه‌rlm؛ هایش گذراند تا این که سرانجام در 23 سپتامبر 1860م در 72 سالگی درگذشت.